

«تذکره‌ای کهن در کنه فراموشی»

معرفی و بررسی انتقادی نفایس المآثر، با تأکید بر ضرورت تصحیح آن

دکتر سعید شفیعیون*

چکیده

امروزه اهمیت تذکره‌های ادبی به ویژه آن دسته که برخوردار از اصالت و قدمت و فواید فراادبی باشند، امری آشکار و غیر قابل انکار است. تذکره نفایس المآثر کهن‌ترین تذکره ادبی فارسی است که در باب دوره تیموریان هند نگاشته شده است. از این رو در بردارنده اطلاعات بسیار موثق از شعرای این دوره در ایران و هند و نیز تاریخ هند دوره اکبرشاهی است. همچنین شواهد شعری بسیار مغتنم و ارزشمندی در این کتاب به ثبت رسیده که بر دیگر ارزش‌های این اثر افزوده است. کامی قزوینی، نویسنده آن، از خاندان برجسته و عالم سادات حسنی قزوین بوده که به سبب برخی مشکلات راهی هند شد و در سلک ادبا و مورخان دربار اکبرشاهی قرار گرفت. این اثر مورد بی‌توجهی و بی‌مهری هم‌روزگاران‌ش واقع گشت تا آنجا که برای بسیاری از تذکره‌نویسان پس از خود ناشناخته ماند. در این میان البته معدود کسانی هم بودند که پنهان و آشکار از این اثر سود جستند؛ اما آن‌گونه که سزاوار بوده، وی و کتابش را ارج نهادند. در این مقاله ضمن معرفی این اثر و وجوه برجسته آن به نقد اطلاعات و مآخذش و نیز نویسندگانی که از وی متأثر بوده‌اند، خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: تذکره، نفایس المآثر، کامی قزوینی.

*. استادیار زبان و ادبیات دانشگاه اصفهان.

مقدمه

تذکره‌های ادبی ضمن آنکه یکی از انواع مهم ادبیات فارسی به شمار می‌آیند، به لحاظ برخورداری از وجه اطلاع‌رسانی، عمدتاً منابع بسیار کارآمدی برای دیگر حوزه‌های علوم انسانی مانند تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی نیز هستند. واضح است که از میان آن تذکره‌های اصیلی که داده‌های درست و دست اول دارند، برخی فارغ از بیان اتفاقی و پراکندهٔ اطلاعات ضمنی و مضمیر فرادبی خود از ابتدا در پی انگیزهٔ فراهم آمدن اثری چندوجهی پدید آمده‌اند. برای نمونه تذکره‌هایی هستند که مؤلفانش در عرض ثبت جریان‌های ادبی به توصیف و بررسی وقایع تاریخی نیز می‌پردازند. این منابع که ما به آنها «تاریخ - تذکره» می‌گوییم، ضمن توصیف دورهٔ ممدوح که شعر و شاعری نیز بخشی از عظمت شکوهمند روزگار حکومت اوست به نگاشتن شرح احوال و بیان شعرایی می‌پردازند که بخت برخوردار از حضور در زمان ممدوح را دارا بوده‌اند. البته این جریان می‌تواند صورت عکس داشته باشد؛ یعنی نویسنده در آغاز قصد توصیف وضع ادبی را داشته؛ ولی در کنار و یا در ادامهٔ کار به بیان اوضاع تاریخی نیز همت گماشته است.

تذکرهٔ نفایس‌المآثر یکی از مهمترین این دست منابع است که نویسنده‌اش در ضمن بیان احوال و اشعار سراینندگان معاصر و معاشر خود به جزئیات تاریخ و حوادث روزگار زندگی خویش و تیره و تبار ممدوح؛ یعنی اکبرشاه تیموری، که این اثر به نام وی نگاشته شده، پرداخته است.^۱ این کتاب علی‌رغم اهمیتش تا به امروز نه تصحیح شده و نه مورد تحقیق جدی قرار گرفته است. البته چند تن از محققان غیر ایرانی مانند استوری، هادی حسن و

۱. این کتاب هر چند به نام اکبر مصدر است و بخش آخر بتامی بیانگر تاریخ دورهٔ وی تا ۹۸۲ق است؛ اما بر اساس قول خود مؤلف چنین به نظر می‌رسد که بانی و حامی این اثر برادر همشیر اکبر، میرزا عزیز کولتاش باشد. کسی که کامی قزوبینی می‌گوید «با وجود اشتغال لوازم سلطنت هرگز از مطالعهٔ کتب و استفسار مسایل خالی نمی‌باشند. در بدو امر باعث تصریف و تألیف این کتاب ایشان بودند» (شم ۲۳۸۸، گ ۱۰۳). جز این باید بدانیم که نسخه‌ای از این اثر در دست میرزا عزیز کوکه بوده و وی بر آن حواشی می‌نگاشته است. بداؤنی (ج ۳، ص ۱۸۷) در این باب می‌نویسد: «در تذکرهٔ میر علاءالدوله نوشته که میر مذکور اکتساب حیثیات فرموده، خط مشکل‌نویس بابری را کسی زودتر و خوبتر از او یاد نگرفته و میرزا عزیز کوکه در حاشیهٔ آن نوشته که از هیچ علمی بهره ندارد. هنری که دارد این است که خط بابری را هم خوب نمی‌داند. عجب ساده‌ای است که حکایات غریب که هیچ طفلی باور نکند در مجالس بی‌تقریب و بی‌فکر بر زبان می‌آرد، چون به میرزا پیشتر آشنا بود، آنچه نوشته است، ظاهراً به تحقیق نزدیک است، چه میر علاءالدوله شتر گریه بسیار دارد».

محمد شفیع، تا حدی اشاره‌وار به وی و تذکره‌اش پرداخته‌اند و از نسخه‌های موجود آن فهرست‌وار سخن گفته‌اند، اما ظاهراً ام‌هانی^۱ بیشترین کوشش را در این زمینه انجام داده تا آنجا که گلچین معانی (۱، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۸۵) با همهٔ وسواسی که در کارش دارد، تنها به نقل مقالهٔ وی بسنده کرده است. گویا این مقالات ام‌هانی گزارشی از پایان‌نامهٔ دکتر وی در تصحیح این اثر بوده؛ ولی نظر به وجود مشکلات نسخ و صعبناک‌های فهم عمیق و ضبط دقیق این اثر ادبی-تاریخی، کار وی سرانجام به ارائهٔ همین مقاله‌ها ختم شده است. همچنین به نظر می‌رسد که وی به نسخهٔ مونیخ هم دسترسی نداشته است، زیرا تنها به مطابقت نسخهٔ رامپور و علی‌گره پرداخته است. از این رو عجیب نیست که وی نسخهٔ کهن مونیخ را همانند نسخهٔ لاهور رونویسی از نسخهٔ علی‌گره می‌داند. به هر حال مقالهٔ وی با وجود اختصارش در بازنمایی برخی اطلاعات مهم از نفایس و اهمیت بعضی نسخ آن بسیار پر فایده است.

اسماعیل پاشا بغدادی (ج ۱، ص ۶۶۳، ۷۴۹) شاید نخستین کتاب‌شناسی باشد که از کامی قزوینی و اثرش بسیار کوتاه و البته به اشتباه سخن گفته است. زیرا نام وی را علاء‌الدین علی و وفاتش را در ۹۸۱ ق و تعداد تراجم کتابش را ۳۵۰ عنوان ذکر کرده است. اشتباهی که بعدها در معجم المؤلفین (کخاله، ج ۷، ص ۷۰) و ریحانة‌الادب (مدرس، ج ۵، ص ۳۷) تکرار شده است. آقابزرگ طهرانی (ج ۳، ص ۴۲۸) ضمن آنکه دیوانی برای وی قائل شده، او را به غلط از شاعران شیعه برشمرده است.

از میان پژوهشگران ایرانی سعید نفیسی (ج ۱، ص ۳۸۳) نخستین کسی است که چندین بار به وی و کتابش اشاره کرده، اما تاریخ نهایی وقایع آن را تا ۹۷۹ ق دانسته است. وی (ج ۱، ص ۴۳۳) تاریخ مرگ کامی را به اشتباه ۹۸۲ ق و تدوین نهایی تذکره‌اش را ۹۸۱ ق بیان کرده است. رضازاده شفق نام وی را علاء‌الدین ذکر کرده است،^۲ پژوهش

۱. از فخرالزمان ام‌هانی بیگم چندین مقاله منتشر شده است که می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد: «نفائس‌المآثر المشتبه به تذکرهٔ میر علاء‌الدوله [حسنی قزوینی]»، ایدنو ایرانیکا، ج ۱۵، شم ۴، ص ۲۰۰-۱ (افشار، ج ۲، ص ۳۶).

«میر علاء‌الدوله کامی قزوینی»، علوم اسلامیة، ج ۱، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۲۲ (همو، ج ۲، ص ۲۲۵).

«کتابین منتخب التواریخ و نفایس‌المآثر»، مجموعهٔ مقالات (۱۹۵۶ م) ص ۲۱۴-۲۲۰ (همو، ج ۱، ص ۲۰).
۲. به گمانم اینکه نام کامی در تاریخ ادبیات فارسی (اته، ص ۵) به نادرست عالی‌الدوله آمده است، حاصل غلط‌خوانی همین شخص، به عنوان مترجم آن بوده است.

کوتاه ذبیح‌الله صفا (ج ۵، ص ۱۶۳۷-۱۶۳۸) در باب کامی نیز متکی به تاریخ تذکره‌های فارسی گلچین معانی است. خیام‌پور با به دست آوردن نسخه‌ای از این اثر آن را هم‌عرض دیگر تذکره‌ها در چاپ دوم فرهنگ سخنوران آورده است.^۱ البته در بررسی این کتاب معلوم شد که تعداد قابل توجهی از تراجم نفایس را ندارد. امری که می‌تواند هم در پی نقصان نسخه مورد استفاده او، نسخه سمرقند، حاصل شده باشد و هم نتیجه اشتباهات انسانی باشد که هیچ پژوهنده‌ای از آن در امان نیست. گلچین معانی هم، چنانکه پیشتر گفته شد، تمام اطلاعاتش در باب این کتاب از طریق مقاله ام‌هانی و تعلیقات مصحح مجمع‌الشعراى جهانگیری است که نسخه علیگره مورد ارجاعش بوده است.^۲ (قاطعی هروی، ص ۳۴۹). در تاریخ تذکره‌های فارسی تنها به نقل بخشی از مقاله ام‌هانی قناعت شده است. همچنین تمام ارجاعاتش به این کتاب در تذکره کاروان هند از طریق تعلیقات سلیم‌اختر بر مجمع‌الشعراى جهانگیری صورت گرفته است.

نگارنده در این مقاله نخست به معرفی گذرای مؤلف و سپس به بررسی دقیق و انتقادی ساختار و محتوای نفایس‌المآثر و مأخذشناسی آن و نیز جایگاهش در میان دیگر تذکره‌ها خواهد پرداخت. سرانجام این ویژه‌توصیف انتقادی نسخه‌های خطی آن است.

سیری گذرا در احوال و آثار کامی قزوینی

علاء‌الدوله بن یحیی السیفی الحسنی متخلص به کامی از خاندان معروف سادات حسنی سیفی قزوین شاعر، نویسنده و خوش‌نویس دوره صفوی و بابرین است. سادات سیفی قزوینی فرزندان سیف‌الدین محمد حسنی از بزرگان قرن هشتم بوده‌اند، حمدالله مستوفی (ص ۷۹۸) در باب وی چنین می‌گوید که «قاضی القضاة دارالملک سلطانیه و تومان قزوین و ابهر و زنجان و طارمین (طارم علیا و طارم سفلی) است و متابع مذهب امام

۱. فرهنگ سخنوران اسباب دست برخی پخته‌خواران عرصه تحقیق شده، آن‌گونه که اغلب چاپ‌کوشان تذکره‌ها، همین ارجاعات وی را در پایان هر مدخلی بی‌هیچ تحلیل و تحقیقی آورده و گویا بر این باور بوده‌اند که خوانندگان خود ناتوان از مراجعه به این کتابند.

۲. محمد سلیم‌اختر (قاطعی هروی، ص ۳۴۹) همچنین به میکروفیلمی دیگر از نفایس‌المآثر دسترسی داشته که متعلق به کتابخانه دانشگاه ملی فدرال کینبرای استرالیا است. به گمان بنده این میکروفیلم از همان نسخه مونیخ گرفته شده است.

اعظم شافعی، رضی الله عنه و در قطع قضایا از جاده شرع تجاوز نمی‌کند». از علاءالدوله که ظاهراً کوچک‌ترین فرزند یحیی معصوم، صاحب لب‌التواریخ است، آگاهی‌های دقیقی همچون تاریخ تولد و وفات در دست نیست. اندک اطلاعاتی هم که در باب او وجود دارد، در واقع همان اشاراتی است که خود او در تذکره‌اش، نفایس‌المآثر، بیان کرده است. مجموع آنچه ما می‌دانیم این است که کامی تعلیمات اصلی در حوزه تاریخ را نخست در ایران از پدر و برادر ارشدش میر عبداللطیف و بعدها در لاهور از محمدشاه انسی کسب کرده است (کامی قزوینی، شم ۶۲۵، گ ۱۸) و در خوش‌نویسی از شاگردان میر کلنگ از خطاطان به نام قزوین بوده است (همان‌جا). وی با آنکه خود خبر سوء‌قصد قورچی‌ان شاه طهماسب در حدود ۹۶۰ را به پدر و برادر ارشدش میر عبداللطیف رسانده و در واقع محرک اصلی در گریز ایشان از ایران بوده، خود تا ۹۶۵ در قزوین مانده^۱ و ظاهراً در پی سخت‌گیری‌های قدرت حاکمه و نیز امید به پیوست به برادر و خانواده وی در دربار اکبری راهی هند شده است (همان، گ ۲۲۱). وی در آنجا، به پادشاه نزدیک شد و چنانکه خود تصریح می‌کند، کاتب چندین نامه از طرف پادشاه بوده است (همو، شم ۲۳۸۸، گ ۲۱۴). البته به نظر می‌رسد که در قیاس با برادر و فرزند او، غیاث‌الدین آخوند، در بارگاه تیموری از شأن و منزلتی استوار برخوردار نبوده است. چنانکه منابع این دوره نیز عموماً احوال او را مسکوت گذاشته و تنها به شرح ستایش‌آمیز از پدر، برادر و برادرزاده‌اش پرداخته‌اند. بنا بر ادعای کامی در نفایس‌المآثر، تذکره‌ای دیگر با عنوان صحیفه‌الارقام در احوال خوشنویسان از وی موجود بوده که از آن در هیچ جا نشانی نیافتیم، هم‌چنانکه اشعارش را نیز تنها به طور پراکنده در نفایس‌المآثر می‌توان دید.^۲

۱. کامی یگانه کسی است که این واقعه را در نفایس (شم ۶۲۵، گ ۲۲۱-۲۲۲) بیان کرده است. دیگر منابع عموماً مثل مآثر‌الامرا (شاهنوازخان، ج ۳، ص ۸۱۳) بی‌هیچ استنادی این قول او را نقل کرده‌اند. بنا به قراین موجود دیگر در نفایس، برادرش در همان سال از قزوین گریخته و سرانجام در ۹۶۳ به هند و دربار اکبرشاه تیموری راه یافته؛ ولی شخص کامی ظاهراً در پی عافیت‌طلبی و مصالحه با عمال شاه تا ۹۶۵ در قزوین بوده است (کامی قزوینی، شم ۶۲۵، گ ۷۲).

۲. عموم محققان ظاهراً به تبع از نفیسی (ج ۲، ص ۸۲۴) برای وی رساله‌ای در صنایع شعری هم قایل شده‌اند که من در هیچ جایی نیافتم و بگمانم این سخن در واقع حاصل برداشت غلط اینان از اشاره خود کامی به رسالیش در نفایس (شم ۶۲۵، گ ۱۱۰) باشد؛ آنجا که در شرح حال صرفی کشمیری می‌گوید «شیخ مذکور بعد از اطلاع بر بعضی از رسایل این ضعیف چند رباعی شریف گفته، نزد این فقیر ارسال داشته بود».

گونه‌شناسی نفایس‌المآثر

این اثر به لحاظ بررسی احوال شعرای روزگارش و نیز پرداختن به مسائل تاریخی چه به طور ضمنی و چه به طور مستقل و تفصیلی یک نوع تاریخ-تذکرهٔ عصری به شمار می‌آید. اگر از پنج، شش شاعر کهن مانند اوحدی اصفهانی، امیر خسرو و ظهیر فاریابی درگذریم که نویسندگان بنا به قصد تیمن و تبرک ذکر از آنها آورده است (همو، شم ۶۲۵، گ ۷)، دامنهٔ زمانی این اثر از قرن نهم تا پایان قرن دهم را در برمی‌گیرد. کامی در فصل‌بندی این کتاب هر چند کوشیده تا با رعایت معیار زمانی به ترتیب الفبایی به بیان احوال و آثار شعرا بپردازد، از بیان مختصر اطلاعات جغرافیایی خاستگاه‌های شعرا نیز غفلت نورزیده است. البته این بدین معنی نیست که محور تدوین کتابش مانند خلاصه‌الاشعار، هفت اقلیم و آتشکده، اقلیم‌ها و نواحی جغرافیایی آن روزگار باشد. همچنین از این لحاظ که این تذکره به اکبرشاه تقدیم و برای وی نوشته شده، نویسندگان بر ذکر شعرا، علما، عرفا و حتی موسیقی‌دانان دربار وی همت گماشته است که از این لحاظ نیز با مسامحه می‌توان آن را نوعی از تذکره‌های ممدوحی تلقی کرد. هر چند قرینه‌ای مبنی بر سفارش نگارش این تذکره از طرف شاه به کامی نیافتیم؛ ولی با توجه به عباراتی که کامی در آخرین انجام خود بر نسخهٔ نفایس آورده است، شاه ضمن پسند کردن آن، سفارش کتابی دیگر به کامی داده بوده که در آن سلسله نسب و شجرهٔ خاندان شاهی از کوچک تا بزرگ بشرح بیاید (همان، گ ۲۷۴). فرمانی که به گمانم هیچ‌گاه عملی نشد و احتمالاً سبب اصلی در این میان، مرگ نابه‌هنگام وی بوده است.

سیاق تقسیم‌بندی بخش‌های این تذکره در تناسب با عنوانش، بر اساس اصطلاحات ساختاری شعری کهن است و این سنتی کهن در تدوین فصول کتاب‌های قدما، به ویژه تذکره‌های برجستهٔ ادبی است که یکی از مختصات شایع آنها، تبویب و عنوان‌بندی فصول بر اساس نام کتاب است. برای مثال عناوین فصول تذکرهٔ آتشکده تحت نام مجمره، اخگر و پرتو یا فصول تذکرهٔ شبستان با عناوینی چون ایوان و آستانه تنظیم یافته است. در واقع تلقی کامی از ارزشمندترین و بهترین‌های اعمال نیک آدمی؛ یعنی نفایس‌المآثر، سروده‌ها و آثار ادبی بوده؛ از این رو فصول کتاب را بر اساس مطلع، بیت، مصرع و مقطع ترتیب داده است.

مطلع شامل حمد و سپاس و مقدمه‌ای در ترجیح نظم بر نثر و علت تألیف کتاب و گریز به گریزش از ایران به هند در پی گرفت و گیرهای مذهبی، مدح هندوستان و اکبرشاه و تعریف قالب‌های شعر فارسی است. بخش اصلی کتاب تذکره‌ای در بیست و هشت بخش یا بیت است که در واقع صورت مرتب الفبایی تخلص یا نام‌های صاحب تراجم است. مقطع، دربرگیرنده سه مطلب است. مطلب نخست از ظهور ظهیرالدین بابر تا سلطنت همایون و مطلب دوم سلطنت همایون تا سلطنت اکبر و مطلب سوم وقایع پادشاهی اکبر تا سال نهصد و هشتاد و چهار است. البته در مطاوی این مطالب به ذکر برادران همایون و اکبر و فرزندان، حیوانات دست‌آموز و عمارات و رامشگران و گویندگان اکبرشاه نیز پرداخته است. چنانکه می‌دانیم اصالت مهم‌ترین ویژگی تذکره‌های ادبی است. خصوصیتی که هم در قسمت تراجم و هم در بخش شواهد، ارزشی غیرقابل افکار دارد. از این منظر تذکره‌های عصری به ویژه آنها که با صدق نیت و دقت تحقیقی و انتقادی مصتف فراهم آمده باشند، بسیار ارجمند و مغتنم‌اند. تذکره نفایس المآثر ضمن برخورداری از این امتیازات و بعضاً مطالب و شواهد بدیع و متمایز، یکی از منابع مهم تاریخی دوره اکبرشاهی هند است. اساس این تذکره مانند چند تذکره مهم فارسی این دوره در آغاز بیاضی^۱ بوده است که نویسنده از آغاز جوانی به تهیه آن اقدام کرده بوده و این امر خود مایه اعتبار شواهد تذکره او در مقام یک تذکره ادبی است. وی در بیان این ویژگی می‌گوید:

چون از اوان صبا و عنفوان نشو و نما الی یومنا هذا، همیشہ کشش خاطر فاطر و میل ضمیر قاصر جایر به انشا و انشاد کلام موزون و سخنان گوناگون ناظران ذوفنون می‌بود و بدان وسیلت پیوسته تتبع احوال شعرا و تفحص حال ناظران فصاحت‌انتما، که غواصان بحر فکرت و سباحان دریای حکمتند، می‌نمود [...] الحاصل آنچه از کیفیت احوال و آثار آن فرقه شریفه معلوم و مفهوم می‌شد، بر لوح دل و سفینه سینه بی‌حاصل می‌نگاشت و به مقتضای

۱. همین ساختار بیاضی است که گاه در این نوع تذکره‌ها همچون نفایس المآثر، عرفات العاشقین و مجمع النفایس، نویسنده در ترجمه بسیار کوتاهی ضمن بیان تخلص شاعر می‌گوید که از احوالش چیزی معلوم نشد. البته در این میان تذکره‌نویسان شیادی هم پیدا می‌شوند که مانند واله داغستانی (ج ۲، ص ۱۱۷۶، ج ۳، ص ۱۴۰) در مطالب به سرقت برده از منابع اصلیشان مثل عرفات العاشقین ناچار به حذف عبارات آن کتاب در بیان احوال شاعر مورد نظر شده‌اند و نهایتاً می‌گویند از احوال وی چیزی معلوم نشد و یا عباراتی مضحک از قبیل «شاعری بوده» می‌آورند. این در حالی است که یک بیت متمایز از شواهد منابع به تاراج رفته‌شان ذکر نمی‌کنند.

«الْعَلْمُ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ» از توهم تلاشی، آن مکنونات مخزونات، ناشی از تکاثر اشغال و تواتر فکر و خیال، گاهی به قیود تحریر و عقود تسطیر، مقید می‌داشت [...] و هرچند صادرات مقالات و حالات متقدمین ناظران سخن‌آفرین را راویان اکابر سلف در ضمن تذکره‌نامه و نکته‌سرایان اجله خلف در طی تحف سامیه، مسطور و مسفور نموده‌اند و مکنون خاطر فاتر این بود که بعضی از متأخرین این طبقه شریفه را که ادراک زمان ایشان نموده و زمره‌ای را که از دریافت ملاقات فیض البرکاتشان آسوده، مذکور سازد؛ اما به موجب «الْفَضْلُ لِلْمُتَقَدِّمِ» خواست که بالکلیه چهره این مقصود از زیب و زینت برکات‌انفاس فیض‌التباس ایشان که به زیور «و السَّابِقُونَ الْأُولُونَ» محلی بود، خالی و عاری باشد، اسامی چندی از استادان و مشاهیر رفیع‌مرتبت این صنعت والاربت را بر سبیل تیمن و تبرک ایراد نمود؛ سیما جمعی را که مؤلفین سابق که ایراد تواریخ ایشان نموده‌اند و به حسب ظاهر، چندان مطابق واقع نمی‌نمود، در آن وادی، طریق موافقت و متابعت تحقیق ارباب تدقیق تاریخ پیمود و جهت سهولت استفادت طالبان و تشحیذ خاطر ناظران در توضیح عبارات و تشریح مقالات کوشید (همان، گ ۳).

عبارات فوق بیانگر زینت‌های ادبی این تذکره نیز هست که به خصوص در دیباجه آن و عناوین فصولش آشکار است و این ویژگی آن را تا حد یک تذکره معیارین و کامل ادبی ارتقا می‌دهد. طبعاً به طرز معهود تذکره‌های مصنوع، در نثر این اثر نیز بیشتر آرایه‌ها از نوع سجع و مراعات‌النظیر و تلمیح و تضمین آیات و احادیث است. البته در تراجم بر خلاف عوفی و اوحدی و امثالهم صنعت‌گری نمی‌کند و غایت ایراد سجعش پاره‌های دوتایی است. در قسمت‌های تاریخی البته اوضاع کمی متفاوت است؛ چنانکه در بخش‌هایی که بیشتر حول مدح و بیان حوادث فتح است، تکلف بیشتری بر نثر نویسنده حاکم است و آنجا که روایت اتفاقات، زنجیروار در هم تنیده می‌شود، سبک نگارش به سمت سادگی و تا حدی شتاب‌زدگی و شلختگی روی می‌نهد. از آنجا که کامی در شیوه تاریخ‌نگاری بسیار دل‌بسته و سرسپرده امثال شرف‌الدین علی یزدی و حافظ ابرو و عبدالرزاق سمرقندی است، گاه عین عبارات آنان را در میان انشای خویش به کار می‌برد. همین سبک نگارش منشیانه است که نویسنده را به استشهاد از اشعار خویش و سایر شعرا در میان نثرش مکلف کرده است. البته بیشترین شمار اشعار او مواد التواریخ و یا

استقبال‌هایی است که از اشعار بعضی صاحبان تراجم کرده است. همچنین از امتیازات برفزون و منحصر به فرد این تذکره می‌توان به وجود نمونه‌های نادر نثر شاعران نویسنده این دوره در لابه‌لای اشعارشان اشاره کرد. کامی سعی داشته است تا در کلیت اثر اعم از تراجم و شواهد مساوات را رعایت کند؛ از این رو کمتر شاهد اختصارات و تطویل‌های غیر معمول در اثر او هستیم و وجود مواردی اندک از اجمال و اطناب بی‌وجه عمدتاً یا به دلیل بی‌اطلاعی وی از احوال و اشعار سراینده و یا در پی انگیزه تاریخ‌نگاری وی در ضمن تذکره‌نویسی‌اش است.

وی تألیف این اثر را در تاریخ ۹۷۳ق آغاز کرده است. نام این کتاب، نفایس المآثر، معادل ابجدی آن و یا به قول فرنگی‌ها، «کرونوگرام» آن است. سنتی که بعضی نویسندگان آن دوره به ویژه تذکره‌نویسان پاس می‌داشتند و عموماً بیانگر آغاز تصنیف اثر بوده و نه چنان که اغلب محققان گمان برده‌اند، گواهی بر تاریخ ختم تألیف آنها. کامی قزوینی به وضوح این نام را تاریخ شروع کتاب برشمرده و در ابیات پایانی‌اش بر کتاب نیز ماده تاریخ ختم کتاب را، «تمت علی یدیه» معادل ۹۷۹ق آورده است. البته باید یادآور شد که نفایس بنا بر قراین درون‌متنی تا سال ۹۹۸ق در دست مؤلف صورت تکمیل می‌یافته است.

داده‌سنجی نفایس المآثر

تذکره‌ها پیشتر از آنکه یک اثر ادبی باشند، مأخذ اطلاعاتی‌اند؛ بنابراین بررسی این وجه آنها که ما از آن با عنوان داده‌سنجی نام می‌بریم، بسیار در ارزش‌مندی آنان نقش دارد. به خصوص این کتاب که نویسنده‌اش به سبب آنکه همه قبیله‌اش از عالمان دین و از فضایی روزگار خویش بودند، خواه ناخواه آن را سرریز از انواع اطلاعات ادبی، رجالی و تاریخی کرده است. هرچند وی در مواردی به منابع خود اشارات کلی کرده، بسیار جای‌ها نیز از آن غفلت ورزیده و یا لزومی نمی‌دانسته که در تمام موارد از آنها یاد کند و این گویا سنت قدماست. به نظر می‌رسد که برخی از این منابع آن قدر مأنوس نویسندگان و خوانندگانشان بوده که هم ناخواسته بر قلم نویسنده جاری می‌شده و هم به زعم نویسنده معهود ذهن خواننده بوده و لزومی بر ذکر مداومش نبوده است. بنابراین در این موارد کمتر گمان انتحال و سرقت می‌رفته است.

بخش ادبی

این تذکره با توجه به شأن علمی و خانوادگی مؤلف و عمق آشنایی وی با منابع پیش از خود و نیز گستردگی روابطش با علما و ادبا و رجال بزرگ عصرش در ایران و هند حاوی اطلاعات دست اول و منحصر به فرد است؛ آن‌گونه که بسیاری از مطالب آن نامکرر و بدیع است. دید تاریخی وی همچنین موجب شده تا از پاره‌ای اشتباهات اسلاف خود پرده بردارد و منتقدانه به نقل آنها بپردازد^۱. همچنین به واسطه ویژگی‌های یاد شده، در نقل عناوین شعرا و شواهد، کمتر اشتباهات فاحش در کار او به چشم می‌خورد. در این اثر سرگذشت ۴۹۴ شاعر به طور مستقل نگاشته شده^۲ و در ضمن آن به افراد بسیار دیگری چه شاعر چه غیر شاعر به طور گذرا اشاره شده است.

پیشروان کامی

چنانکه از اشارات کامی در مقدمه و مطاوی کتابش برمی‌آید، در نقل مطالب ادبی از بهارستان جامی، لطایف‌نامه فخری هروی، تذکره دولت‌شاه سمرقندی، تحفه سامی و مذكر احباب بخاری، فراوان بهره برده است. این مسئله البته تنها به اخذ مطالب و شواهد محدود نمی‌شود بلکه گاه در وام‌گیری عبارات و فصل‌بندی نیز مشاهده می‌شود. برای نمونه باید گفت کامی در عبارت‌پردازی‌های تحمیدیه مقدمه، از الگوی نوشتاری سام‌میرزا (ص ۱-۲) و نیز عبارات وی بسیار استفاده کرده است و این امر افزون است بر نقل اطلاعات تحفه سامی در باب بعضی شعرای قزوین و عراق آغاز دوره صفوی. همچنین وی علاوه بر اتکای بسیار به مذكر احباب در نقل تراجم و شواهد شعرای ماوراءالنهر، به دیباجه آن کتاب بی‌اندازه نظر داشته است، آن‌گونه که جز در پرداختن به تعریف شعر و اقسام آن در فصل نخست کتابش، بخش‌بندی کتابش نیز متأثر از اصطلاحات این مبحث است. البته چنانکه شیوه قدماست وی الزاماً در تمام مواضع به نقل مأخذ نمی‌پردازد و این شیوه در نقل مطالب تاریخی و جغرافیایی این کتاب همچنان صادق است. باید گفت

۱. برای نمونه وی (شم ۶۲۵، گ ۶۴) در شرح احوال امیر خسرو، عبارات دولت‌شاه را بسیار محققانه نقد و تصحیح می‌کند.
۲. گلچین معانی (۲، ج ۱، ص ۳۶۲) و تقریباً تمام محققان ظاهراً به تبع از اسماعیل پاشا بغدادی تعداد تراجم این کتاب را ۳۵۰ دانسته‌اند.

که رجوع کامی به منابع در تمام موارد به ویژه در نقل اطلاعات فراادبی الزاماً مستقیم نبوده است، برای مثال ارجاع وی به کتاب صور اقلیم از طریق نقل عبارات آثار البلاذ قزوینی است.

پیروان کامی

در بررسی تطبیقی نفایس با تذکره‌ها و تواریخ پس از آن دو امر بسیار شگفت‌انگیز است، نخست عموماً نقل بی‌عنوان و نشان مطالب نفایس‌المآثر در این سنخ منابع و دیگر تغافل بی‌وجه و سکوت معنی‌دار آنان در باب این کتاب و نویسنده‌اش. این مسئله به قدری شدید است که به گمان من بعضی از تذکره‌نویسان بزرگ مانند اوحدی بلیانی که در هند و دربار تیموریان بوده‌اند، اصلاً وی و کتابش را نمی‌شناخته‌اند. در این میان حتی کسی مثل احمدعلی خان هاشمی سندیلوی که مدعی است از نفایس بهره برده، به گمان نگارنده بر اساس اشتباهاتش در نقل عنوان این کتاب، اصلاً آن را به چشم ندیده است (اوحدی بلیانی، ج ۴، ص ۷۰۰). از این لحاظ می‌توان ریزه‌خواران نفایس را به چند دسته تقسیم کرد:

پیروان امین

اینان کم‌شمارترین پیروان کامی‌اند. کسانی مانند فخرالزمانی قزوینی، صاحب تذکره میخانه و آزاد بلگرامی صاحب خزانه عامره و علی ابراهیم خان خلیل، صاحب تذکره صحف ابراهیم از مهم‌ترین ایشان هستند^۱. بداوئی، صاحب منتخب‌التواریخ هر چند صراحتاً اعلام کرده که بخش شعرای کتابش را به تمامی از نفایس‌المآثر نقل کرده، اما مکرراً کامی و ذوق و راست‌ورزی‌اش را تخطئه کرده است و در واقع از پیروان ناسپاس وی است. البته بداوئی با بسیاری از معاصران خود دشمنی و کینه‌ورزی داشته و این نوع لطفش تنها شامل حال کامی نبوده است، آنجا که از این سنخ عبارات سخیف به کار

۱. فخرالزمانی قزوینی (ص ۸۶۰) ضمن اشاره به نام کتاب نفایس‌المآثر، از او با عنوان میرعلاءالدوله یاد کرده است. آزاد بلگرامی در خزانه عامره (ص ۳۸۷) تصریح دارد که از این تذکره در ید بیضا نیز استفاده کرده است و در واقع وی صاحب همان نسخه علیگیره است و عجیب است که چرا در آثار دیگرش سرو آزاد و ید بیضا که ممنوعیت ذکر نام کامی نبوده، از او به عنوان شاعر یاد نکرده است. علی ابراهیم خان خلیل نیز در صحف ابراهیم (گ ۱۱۲) نام کتاب وی را نفایس‌المآثر اکبری گفته است.

می‌برد: «جامع این اوراق از تذکره میر علاءالدوله نوشته که قابل اعتماد نیست» (بداؤنی، ج ۳، ص ۵۳). جز بداؤنی تنها صاحب تذکرهٔ روز روشن (صبا، ص ۶۷۳-۶۷۴) است که کامی را به عنوان شاعر معرفی کرده است.

پیروان خائن

با تأمل و دقت در مطابقت نفایس المآثر با هفت اقلیم و مجمع الشعراى جهانگیری و مقایسهٔ صورت عبارات و محتوای اطلاعات و شواهد آنها حقیقتی بسیار تلخ آشکار می‌شود. در واقع هم امین احمد رازی و هم قاطع هروی طرارانه محتویات این تذکره را وارد کتابشان کرده‌اند و ناجوان مردانه هیچ اشاره‌ای به نام وی دست کم به عنوان یکی از آدمیان این روزگار نکرده‌اند.

این تمعد ناشایست به ویژه آنجا بسیار آزار دهنده است که نویسندهٔ هفت اقلیم (امین احمد رازی، ج ۲، ص ۱۳۳۵-۱۳۳۶) ضمن آنکه به شرح احوال خاندان کامی؛ یعنی یحیی معصوم و عبداللطیف و فرزندش غیاث‌الدین آخوند می‌پردازد و در عین حال تمام عباراتش فشردهٔ همان مطالب نفایس است، دریغ ورزیده که دست کم اشارهٔ کوتاهی به نام وی کند. بسامد استفادهٔ وی از این کتاب به حدی بالاست^۱ که ما حتی می‌دانیم نسخهٔ مورد استفادهٔ او به کدامیک از نسخ موجود نفایس نزدیک بوده است.

اما وضع مجمع الشعراى جهانگیری در این باب بسیار بدتر است. در واقع قاطعی هروی (ص ۱۰۹) که خود یکی از خرده‌گیران به جریان مبتذل تذکره‌نویسی در این دوره است و می‌گوید که «هر کس نام بیست شاعر می‌داند، تذکره می‌نویسد»^۲، بنا به

۱. برای نمونه می‌توان به نام‌های شاعران ذیل اشاره کرد که امین احمد رازی تمام آنها را از نفایس نقل کرده و بعد اوحدی در عرفات عیناً آنها را از هفت اقلیم آورده است. بنا بر این اوحدی را هم می‌توان یکی از وام‌داران نفایس المآثر دانست. محمدشاه انسی، ابوالحسن ایبوردی، احمد ایبوردی، امانی کابلی، آشوبی نظنزی، ابوعلی ولد خباز، انیس، بیرم‌خان، تردی سمرقندی، تدروی ابهری، خواجه زاده کابلی، روغنی، سلطان، سیری غزنوی و سپاهی.

۲. مضحک آن است که قاطعی هروی در اینجا تقی اوحدی را با تقی شاه‌میر مذکور در نفایس خلط کرده است و در واقع تذکرهٔ عرفات را به تقی شاه‌میر نسبت داده است. گواه ما در این مدعا نخست آن است که در هیچ منبعی به تقی شاه‌میر تذکره‌ای نسبت نداده‌اند و در ضمن غزلی هم که به عنوان شاهد اشعار تقی شاه‌میر آورده شده، مطابق معمول همان غزلی است که کامی برای شاه‌میر در نفایس نقل کرده است؛ بنابراین این گمان که ترجمهٔ مذکور اصلاً منسوب به تقی اوحدی باشد، باطل است.

استقصای نویسنده و نیز داوری مصحح مجمع‌الشعراى جهانگیری (سلیم اختر، ص ۷) نفایس را به یغما برده است. افزون بر این من معتقدم که وی در این سرقت نیز صادقانه رفتار نکرده و بی‌اندازه به جعل و تحریف احوال شعرا پرداخته است؛ آن‌گونه که نگارنده عمده مطالب تذکره او را در باب شعراى اکبرشاهی از لحاظ اصالت مخدوش و غیر قابل اعتماد می‌داند. برای مثال وی (قاطعی هروی، ص ۵۴) سرگذشت میر کلنگ را با استادش اشرف خلط کرده است و به گمان من این کارش آگاهانه بوده و خواسته جعل احوال کند. از سایر جعلیات وی در این ترجمه می‌توان به هروی دانستن میر کلنگ و کوچانده شدنش توسط عبیدالله‌خان به هرات، تلمذش نزد ملا میر علی خوشنویس، مهاجرتش به هند به همراهی خواجه محمود اسحاق، خدمتش به عنوان کاتب کتابخانه سلطنتی اکبرشاه و کتابت قصه حمزه و دیوان خواجه حسین هروی اشاره کرد. این در حالی است که کامی، همشهری و شاگرد وی هرگز متعرض سفرش به هند نشده و مرگش را در نهند و پنجاه و سه ضبط کرده است. شگفت آنکه قاطع هروی نه تنها در باب این شاعر، بلکه تقریباً در نقل اغلب شواهد شعراى اکبرشاهی کتاب خود، حتی یک بیت نیز بیرون از شواهد نفایس نقل نکرده است (نیز نک: همو، ص ۵۳، ۸۳-۸۵، ذیل «میر اشرف منشی» و «شعوری تربتی»).

بخش تاریخی و فرادبی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کامی در این بخش بیشتر پیرو و متأثر است تا تأثیرگذار. البته مطالبش در آن بخش‌هایی از تاریخ اکبر که خود نیز از حاضران ناظر و راویان اصلی بوده، اصیل و قابل اتکاست. ویژگی‌ای که متأسفانه از روزگار خود او تا به امروز در محاق بی‌توجهی محققان گرفتار مانده است. حتی اگر تاریخ‌نویسان این عهد را از ریزه‌خواران خوان او نشمریم، نمی‌توانیم از اصالت و قدمت آن در این بخش صرف نظر کنیم؛ به ویژه آنکه تعدادی از مواد تاریخ مهم این عصر سروده اوست و یا نخست‌بار در کتاب وی نقل شده است. برخی از اطلاعات این کتاب در باب تاریخ صفوی نیز بسیار مغتنم و قابل تأمل است و با کتاب‌هایی نظیر خلاصه‌التواریخ پهلومی‌زند. گمان نگارنده این است که امثال بدآونی، صاحب منتخب‌التواریخ؛ ابوالفضل علامی، صاحب اکبرنامه و آیین اکبری، خواجه

نظام‌الدین مقیم هروی مؤلف طبقات اکبری، و نویسندگان تاریخ الفی و شاهنواز خان صاحب مآثر الامرا از اطلاعات تاریخی این منبع بهره برده‌اند.

در کنار منابعی که کامی به طور پراکنده از آنها سود جسته و روایت مذهبی و یا داستانی تاریخی از آنها نقل کرده، مانند صحیح مسلم بخاری، عجایب البلدان بیرجندی، و مانند آنها، تعدادی از منابع، پیوسته مورد ارجاع وی قرار گرفته‌اند. یک دسته آنها همان مراجع جغرافیایی‌اند که کامی از آنها اطلاعات خاستگاه‌های شاعران تذکره‌اش را نقل کرده و گاه همراه با ذکر مطالب آنها از خود نیز اطلاعاتی اندک افزوده است. این منابع عمدتاً دو کتاب بیشتر نیستند، آثار البلاد و اخبار العباد زکریای قزوینی و نزهة القلوب حمدالله مستوفی.

دسته دیگر که پربسامدترین و مهمترین منابع غیر ادبی نفایس به شمار می‌روند، کتاب‌های تاریخیند. مهم‌ترین آنها تاریخ رشیدی میرزا حیدر دوغلات است که کامی بیشترین اطلاعات خود در باب پادشاهان اوزبک و ظهیرالدین بابر و همایون را از آن کتاب اخذ کرده است. البته وی چندین بار به این کتاب اشاره کرده ولی در مواردی از اشاره به این منبع تن زده و حتی عباراتی از این کتاب را که نویسنده‌اش در آن از خود نام آورده (دوغلات، ص ۵۸۹، ۶۷۸، ۶۸۰-۶۸۱)، حذف کرده است. گاه از روی مصلحت‌اندیشی دست به اختصار و حذف و تبدیل زده، چنانکه در جایی (همو، ص ۶۸۱، ۶۸۳) در توصیف لشکر بابر، ترکیب «خیام عسکر ندامت‌انجام» را به «خیام سعادت‌اختتام» تبدیل کرده است. دل‌بستگی وی به این مأخذ تا حدی است که با در دست داشتن ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی، برخی مطالب آن را مانند وصف کشمیر از تاریخ رشیدی نقل کرده است (همو، ص ۶۱۸-۶۲۳؛ شرف‌الدین علی یزدی، ج ۱، ص ۹۷۷).

منبع دیگری که از آن در تاریخ پادشاهان هند استفاده کرده، کتاب واقعات بابری شیخ زین است. اثری که صاحب تاریخ ایلچی نیز از آن بهره بسیار جسته است.

کامی از منابعی مانند ظفرنامه و مطلع السعدین بیشتر به لحاظ الگوی نوشتاری و زیب و زینت اثرش استفاده کرده است. حتی آنجا که در وصف شیراز از آن یاد می‌کند، قصد دارد تا کتابش را زینت بخشد. افزون بر این، کامی اشعار بسیاری از این کتاب و مطلع السعدین و برخی دیگر از کتاب‌های تاریخی مانند زبدة التواریخ را به کتابش راه

داده است. البته چنانکه می‌دانیم این امر نیز سنت شایع مورخان این روزگار است که از اشعار و عبارات کتاب‌های مهمی مثل ظفرنامه در کتابشان بهره ببرند. چنانکه نویسندگان مطلع‌السعدین و زبدة‌التواریخ بسیار از ظفرنامه سود جستند. کامی همچنین از حبیب‌السیر نیز گاه‌گاه مطالبی اخذ کرده و برای مثال حمله محمدخان شیبانی به سمرقند را با اندکی تغییر ظاهری در عبارات نقل کرده است (خواندمیر، ج ۲، ص ۲۷۷-۲۸۰).

بدایع نفایس

مطالب این تذکره از دو لحاظ بسیار بدیع است. نخست تفاوت‌هایی که بعضاً با منابع هم‌سنخ خود دارد که از آن به اختلافات اطلاعاتی می‌توان تعبیر کرد و این هم در داده‌های تاریخی و هم در شواهد شعری قابل مشاهده است که صرف نظر از درستی و نادرستی، معتبر است. تازگی دیگرش در بیان مطالبی است که گاه در هیچ منبعی یافته نمی‌شود و آن آثاری نیز که حاوی این دست اطلاعاتند، در این موضوع رونوشتی از این اثر به حساب می‌آیند. این موارد را بیشتر در قسم ادبی آن می‌توان دید و شامل تراجم و شواهد نیز هست. از شواهد شاذ و منحصر به فرد و برخی اطلاعات متنوع و پراکنده این کتاب که بگذریم، فهرست ذیل که برگرفته از تراجم نفایس است، مربوط به شاعرانی است که برای نخستین بار و اغلب آخرین بار از ایشان سخن به میان آمده است:

اشکی بخارایی، امیری رضوی، افضل‌ی، باقی بلخی، بی‌قیدی، بیدلی، بوالعجب کابلی، بزمی مروی، بی‌خودی بلخی، تزریقی تربتی، جنید خلخالی، جمیلی، جعفری اصفهانی، ضمیری کولابی، جعفر هروی، حمدی، حمدی استرآبادی، قاضی حسین همدانی، حلاوی شیرازی، حسن قندهاری، حریفی، حضرتی کرمانی، میر خرد، خاتمی مشهدی، خصالی کشمیری، دامی، ذوقی، روشنی، رحیمی، رسوایی توسرکانی، زین‌الدین کرمانی، ملا احمد، سنگی فرغانه‌ای، سروری، سعیدی بدخشی، ساقی جزایری، سیدی، شکری، شانی، عبدالحی، خواجه سعید گیلانی، شریف مهدی همدانی، شاهدی هروی، طیب خوافی، طفیلی مشهدی، طفیلی اصفهانی، قاضی صفی‌الدین عیسی، عتابی سبزواری، عبدی باکویی، میر علی اصغر مشهدی، عزتی همدانی، عهدی نیستانی، عبدالواحد،

عبدی حسنی رازی، غنایی لاری، غالبی، سعدالملک حسنی، فارغی پیلباز، فضلی سبزواری، فهمی هروی، گدای کابلی، کلابی مشهدی، کلباقی نالی، خواجه کمال‌الدین حسینی شیرازی، منیری همدانی، میرک دیلمی، محنتی سیستانی، مقبلی قزوینی، محبی اردبیلی، متینی تبریزی، مشفق، مجنون، مهجوری بخارایی، مایلی، ابوالکرم اصفهانی، مزاجی تاشکندی، مجرمی سیستانی، معصومی کاشی، نورالدین خافی، نوری خازن، نوعی هروی، نفعی‌نہانی، نثاری قزوینی، نقابی تهرانی، وفایی استرآبادی، شاه‌هاشم، هدایت طبیب، همتی مشهدی، میرهاشمی و نیازی تبریزی.

نسخه‌شناسی

در فهرست‌ها ده نسخه از نفایس به شرح زیر معرفی شده است:
۱-۳) نسخه کتابخانه مونیخ به شماره 3 و میکروفیلم کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۵۱۳۴ (دانش‌پژوه، ج ۳، ص ۱۳۶) که قدیم‌ترین نسخه موجود از این تذکره است. خط این نسخه نستعلیق است و حواشی تکمیلی بسیاری با دو - سه نوع قلم، بر آن نگاشته شده است. نسخه حاوی سه انجام و یک انجامه است. بدین شرح که نویسنده در انجام نخست دو بیت عربی و تاریخ ختم کتاب را ۹۷۹ق آورده است. در پایان این انجام، انجامه‌ای آمده با همان خط متن و قلمی ریزتر که صاحبش خود را نظام بن احمد دهلوی و کاتب بعضی از اجزاء کتاب معرفی می‌کند و تاریخ کتابتش را ۹۸۹ق و محل آن را اجمیر گفته است. منطقی‌تر می‌نماید که شباهت خط وی با متن را اتفاقی دانست و از کتابت اجزاء کتاب همان دست حاشیه‌های هم‌قلم او را منظور کرد و در واقع چنان فرض کرد که نسخه متن به قلم کس دیگری جز او در ۹۷۹ق بوده است و بعید نیست، خود مؤلف بوده باشد و ده سال بعد در زمان حیات نویسنده، نظام‌الدین احمد آن نسخه را با نسخه‌ای دیگر از نفایس که تحریر تازه‌تری از آن بوده، مقایسه کرده و مطالب جدید و صحیح آن نسخه را بر آن افزوده است. این گمان را، خط‌های ترقینی که بر بعضی سطور متن کشیده شده، تقویت می‌کند. زیرا بعید است شخص کامی بر عبارات خود خط باطل کشیده باشد. به احتمال قوی انجام‌دهنده این کار، همان انجامه‌نویس است که با به دست رسیدن نسخه تازه، می‌خواسته آن را اصل قرار دهد؛ به همین سبب نقصان‌های آن

را باور نداشته و بر عبارات نسخه قدیم که در نسخه جدید نبوده، خط ترقین کشیده، به گمان آنکه از نویسنده نیست. در حاشیه همین برگ، انجام دیگری با خط متفاوتی نسبت به متن نسخه و انجامه آن آمده است که متأسفانه بخش اصلی آن که حاوی تاریخ تحریر جدیدتر است، در وصالی آسیب دیده، اما عبارات آن رساننده تکمیل مطالب تذکره است که امری بسیار آشکار است. در پشت همین برگ مطالبی با قلمی نازک‌تر و خطی شبیه نوع دیگری از حاشیه‌های متن این مطلب دیده می‌شود که شاه را این کتاب خوش آمده، تا آنجا که سفارش نگارش کتابی دیگر در شجره خاندان شاهی داده است.

۲-۳) نسخه کتابخانه علیگره به تاریخ کتابت دهم ربیع الاول ۱۰۸۵ به شماره نسخه ۶۲۵ و شماره میکروفیلم ۹۲۰/۴۵ متعلق به مرکز میکروفیلم نور به خط نسخ خوانا حاوی ۲۷۴ برگ. کاتب این نسخه فرد با سواد بی‌سواد و بسیاری از عبارات عربی و یا واژگان دشوار را مشکول کرده است. متأسفانه نسخه آسیب‌های متعدد و مخربی دیده است و صفحات قابل ملاحظه‌ای از آن آب‌زده شده و گاهی کرم‌خوردگی نیز در آن به چشم می‌خورد. این نسخه کامل‌ترین نسخه موجود از نفایس است و به نظر می‌رسد آخرین تحریر آن باشد و به نوعی کامل شده نسخه کتابخانه مونیخ و از این لحاظ بسیار به نسخه مذکور نزدیک است. البته دو بیت عربی ماده تاریخ انجام نخست و کل انجام دوم نسخه مونیخ را ندارد. کاتب این نسخه شیعی متعصبی بوده است، چنانکه برخی عبارات اشعار را مطابق مذهب خود عوض کرده است.^۱ این نسخه در ۱۱۸۶ توسط آزاد بلگرامی خریداری شده و در کتابخانه او بوده است. به رغم پاک‌شدگی بسیاری از عنوان‌های شنگرف صاحب ترجمه‌ها در این نسخه، فهرست شعری که در آغاز آن آمده، بسیار روشن و رهگشاست.

.۱

باعث ز خلق کون و مکان، نور احمد است
حَبّ چهار یار که ارکان ملتند
مصرع سوم در نسخه علیگره چنین آمده است: حَبّ علی که مایه ارکان ملت است
یار ب به صفای دل ارباب قبول
کاین تازه گل حدیقه فکر مرا
می‌دار مصون ز عیب جویان فضول
عالم طفیل ذات جلال محمّد است
پیرایه هدایت و فضل مؤبّد است
وز عزّت چار یار [اهل بیت] و پاکی بتول
به جای «چار یار» در مصرع دوم «اهل بیت» آمده است.

۳-۳) نسخه کتابخانه رامپور به شماره ۷۴۳۹ و شماره میکروفیلم ۲۳۸۸ حاوی ۲۲۲ برگ نستعلیق که به سبب ناتمام بودنش از تاریخ کتابت آن بی‌اطلاعیم. این نسخه در قیاس با دو نسخه مونیخ و علیگره نسخه‌ای متفاوت است و برخی اطلاعاتش در هیچ کدام از نسخ مذکور نیامده است. متأسفانه برخی از مواضع اوراقش در وصالی از بین رفته و برخی نیز کرم‌خوردگی دارد.

۴-۳) نسخه کتابخانه بریتیش میوزیم به شماره ۱۷۶۱ OR در واقع مجموعه‌ای از تلخیص چندین تذکره و تاریخ است. بنابراین نفایس موجود در این نسخه حاوی ۹۵ برگ است و تنها شامل مقدمه و بخش تاریخی و چند ترجمه مختصر از شعراست. کاتب بسیاری از کلمات را جا انداخته و در سایر موارد هم بی‌دقتی‌های زیادی دارد. ضبط‌های این نسخه تا حد قابل ملاحظه‌ای نزدیک به نسخه رامپور است.

۵-۳) نسخه ازبکستان شرقی «در قرن نوزدهم استنساخ شده، در مطبوعه مخطوطات خاوری در آکادمی علوم جمهوری سوسیالیستی ازبکستان موجود است. احوال شعرای حرف «ن» و تاریخ تیموریان در هند از بابر تا اکبر در نسخه مزبور از بین رفته» است (گلچین معانی ۱، ج ۲، ص ۳۸۴). این نسخه احتمالاً همان نسخه سمرقند است که خیام‌پور در فرهنگ سخنوران به آن ارجاع داده است.

۶-۳) نسخه کتابخانه دانشگاه لاهور، ذخیره پروفیسور سراج‌الدین آذر که رونوشتی از نسخه علیگره است (همان‌جا).

۷-۳) نسخه راس بداون، به شماره ۲۴۷ متعلق به قرن سیزدهم (همان، ج ۲، ص ۳۸۳). از این نسخه در جایی نشانی یافتیم.

۸-۳) نسخه کتابخانه موتی محل، لکهنو (همان‌جا). مهدی خواجه‌پیری (ص ۱۷۷-۱۷۸) مدعی است که از آن سه هزار نسخه خطی که اشپرنگر در کتابخانه موتی محل یا قصر مروارید گزارش داده، امروز هیچ یک در آنجا موجود نیست.

۹-۳) نسخه رهاتسک، ص ۱۶۹، ش ۱۴۷ (storey, Vol. 1(1), p.800-801). از این نسخه نیز نشانی نیافتیم.

۱۰-۳) نسخه کابل، کتابخانه شخصی سرور گویا (گلچین معانی ۱، همان‌جا). این نسخه نیز یافت نشد.

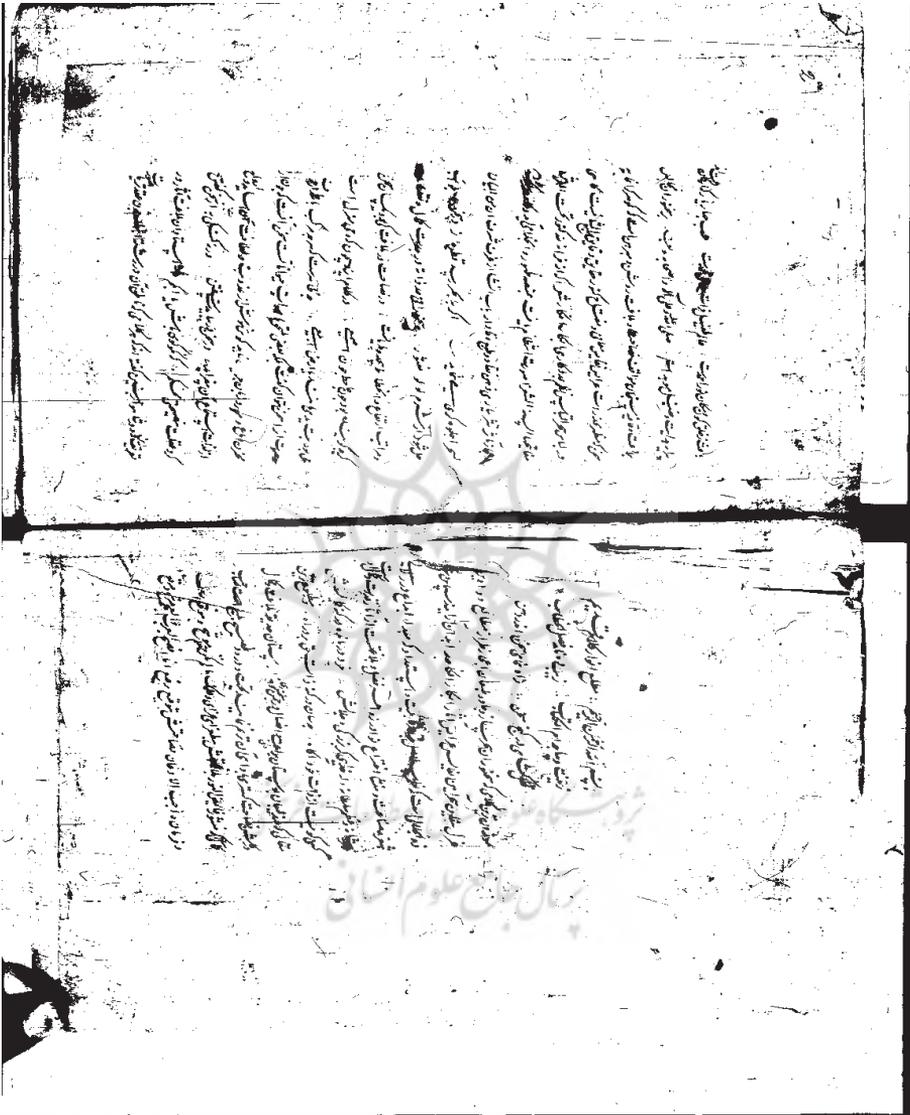
نتیجه‌گیری

نفایس‌المآثر کهن‌ترین تذکره ادبی فارسی موجود است که سرشار از اطلاعات دست اول در باب تاریخ اکبرشاه و شاعران دوره اوست. همچنین کتاب او در بردارنده اطلاعات تاریخی قابل توجهی در باب ایران دوره شاه طهماسب و ادبا و علمای این عهد است. بسیاری از شاعران نویافته و شواهد شعری نادر در این اثر راه یافته‌اند. از این تذکره که بنا به احتوائش مسائل تاریخی و جریانات روز ادبی جزو تاریخ - تذکره‌های عصری محسوب می‌شود، تا به امروز هیچ تصحیحی به عمل نیامده و نزد محققان ایرانی شناخته شده نیست. تنها تعدادی از ادبای شبه‌قاره و مستشرقان از آن به اختصار سخن رانده‌اند، پیشتر از ایشان ام‌هانی بوده که بر اساس دو نسخه‌ای که از این اثر داشته، اطلاعات مفیدی از آن به اختصار ارائه داده است. در این اثر حدود پانصد شاعر معرفی و از شعرهایشان نمونه آورده شده است. این کتاب هر چند بخش‌های آغازین تاریخی‌اش را از منابع پیشین خود اخذ کرده است؛ اما در باب زندگی اکبر و اتفاقات عصر او اعم از نبردها و رجال درباری و شکوه سیاسی - فرهنگی سلطنتش اطلاعاتی دست اول ارائه داده و بسیاری از کتاب‌های معروف ادبی و تاریخی این دوره و ام‌دار آندند. با آنکه نفایس به عمد از طرف نویسندگان هم‌عصرش مورد بی‌اعتنایی ظاهری قرار گرفته، در باطن به تاراج رفته و کمتر کتاب تذکره و تاریخی است که مستقیم و یا غیر مستقیم از مطالب آن استفاده نکرده باشد.

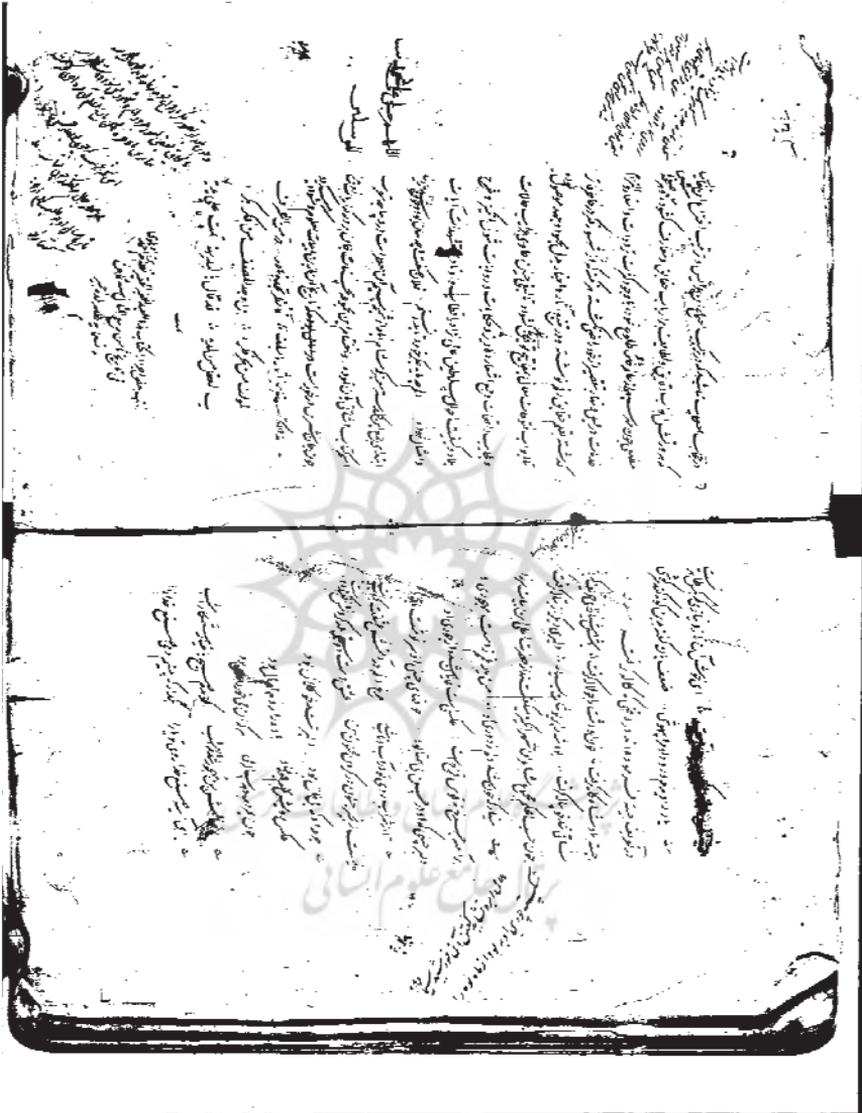
منابع

- آزاد بلگرامی، میرغلامعلی، خزانه عامره، تصحیح ناصر نیکوبخت و شکیل اسلم‌بیک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰.
- آقابزرگ طهرانی، مصنفات شیعه، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲.
- اته، هرمان، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه صادق رضازاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶.
- اسماعیل‌پاشا بغدادی، ایضاح‌المکنون فی ذیل علی کشف‌الطنون، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
- افشار، ایرج، فهرست مقالات فارسی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.
- امین‌احمد رازی، هفت‌اقلیم، تصحیح سید محمدرضا طاهری «شهاب»، سروش، تهران، ۱۳۸۹.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و

- آمنه فخر احمد، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹.
- بداونی، عبدالقادر، منتخب التواریخ، تصحیح احمد علی، اضافات و تعلیقات توفیق سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، تصحیح محمد دبیرسیاقی، حدیث امروز، قزوین، ۱۳۸۱.
- دوغلان، محمدحیدر، تاریخ رشیدی، تصحیح عباس قلی غفاری فرد، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۳.
- خلیل، علی ابراهیم، صحف ابراهیم، نسخهٔ کتابخانهٔ توپینگن، ش ۷۱۱ (میکروفیلم کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ش ۸۰۸).
- خواج‌پیری، مهدی، «کتاب‌خانه‌های لکهنو»، مشکوة، شم ۱۸-۱۹، بهار و تابستان، ۱۳۶۷.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، حبیب‌السیبر، به کوشش محمد دبیر سیاقی، خیام، تهران، ۱۳۸۰.
- دانش‌پژوه، تقی، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۲.
- سام‌میرزا صفوی، تحفهٔ سامی، تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.
- سلیم اختر، محمد، مقدمه بر تذکرهٔ مجمع‌الشعراى جهانگیری، (نک: ه. م. قاطع هروی). شاهنوازخان، صمصام‌الدوله، مآثر الامراء، به کوشش اشرف علی، کلکته، ۱۸۹۱ م.
- شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، تحقیق و تصحیح: سید سعید میر محمدصادق، عبدالحسین نوایی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
- صبا، محمد مظفر حسین، تذکرهٔ روز روشن، تصحیح محمد حسین رکن‌زاده آدمیت، کتابخانهٔ رازی، تهران، ۱۳۴۳.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، تهران، ۱۳۷۸.
- فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی، تذکرهٔ میخانه، تصحیح احمد گلچین معانی، اقبال، تهران، ۱۳۶۷.
- قاطعی هروی، تذکرهٔ مجمع‌الشعراى جهانگیری، تصحیح محمد سلیم اختر، مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، کراچی، ۱۹۷۹ م.
- کخاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، تاریخ مقدمه ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۷ م
کامی قزوینی، میرعلاءالدوله، تذکرهٔ نفایس المآثر، نسخهٔ کتابخانهٔ رامپور، (ش میکروفیلم ۲۳۸۸)، نسخهٔ کتابخانهٔ علیگره (ش نسخه ۶۲۵).
- گلچین معانی (۱)، احمد، تاریخ تذکره‌های فارسی، سنایی، تهران، ۱۳۶۳.
- _____ (۲)، کاروان هند، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.
- مدرس، محمدعلی، ریحانة‌الادب، خیام، تهران، ۱۳۶۹.
- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، فروغی، تهران، ۱۳۶۳.
- واله داغستانی، علیقلی، تذکرهٔ ریاض‌الشعرا، به کوشش سید محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.



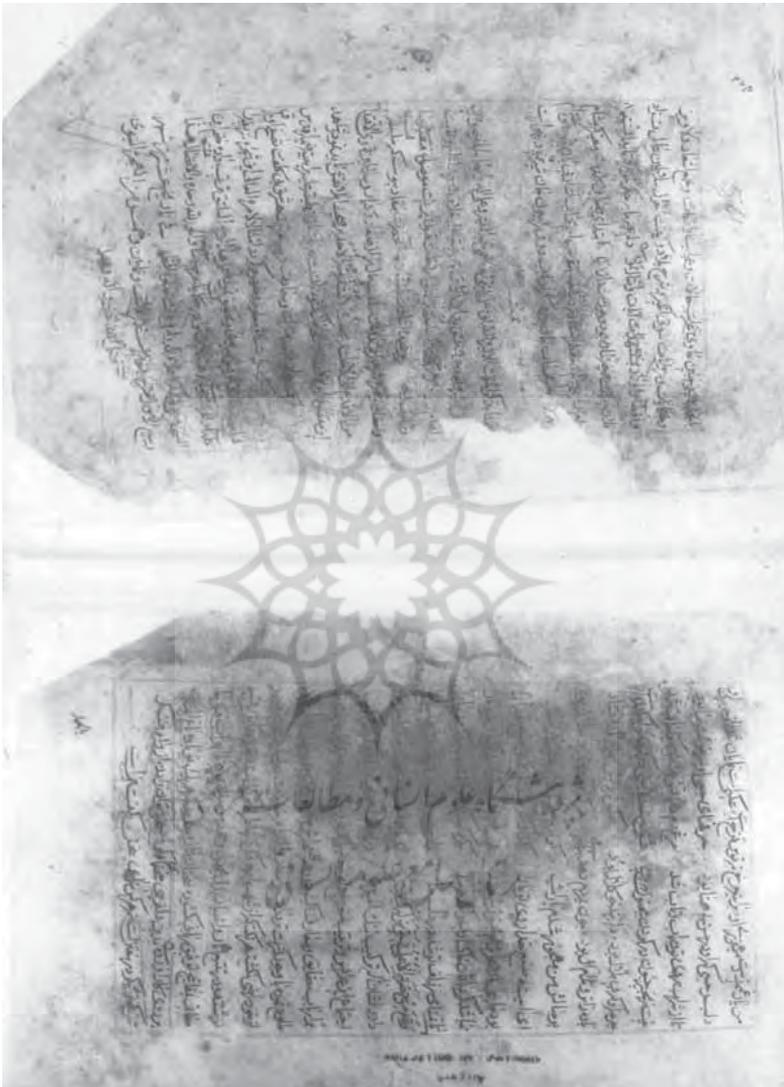
تصویر برگ نخست متن نسخه مونیخ



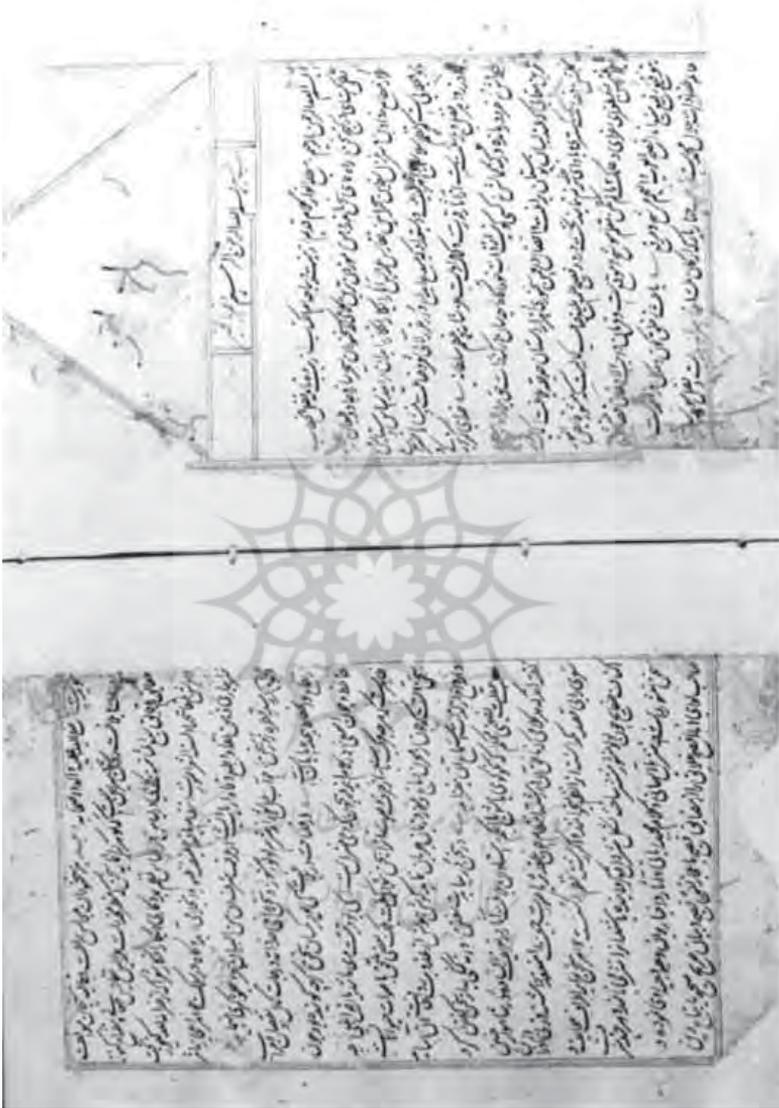
تصویر برگ پایانی متن نسخه مونیخ



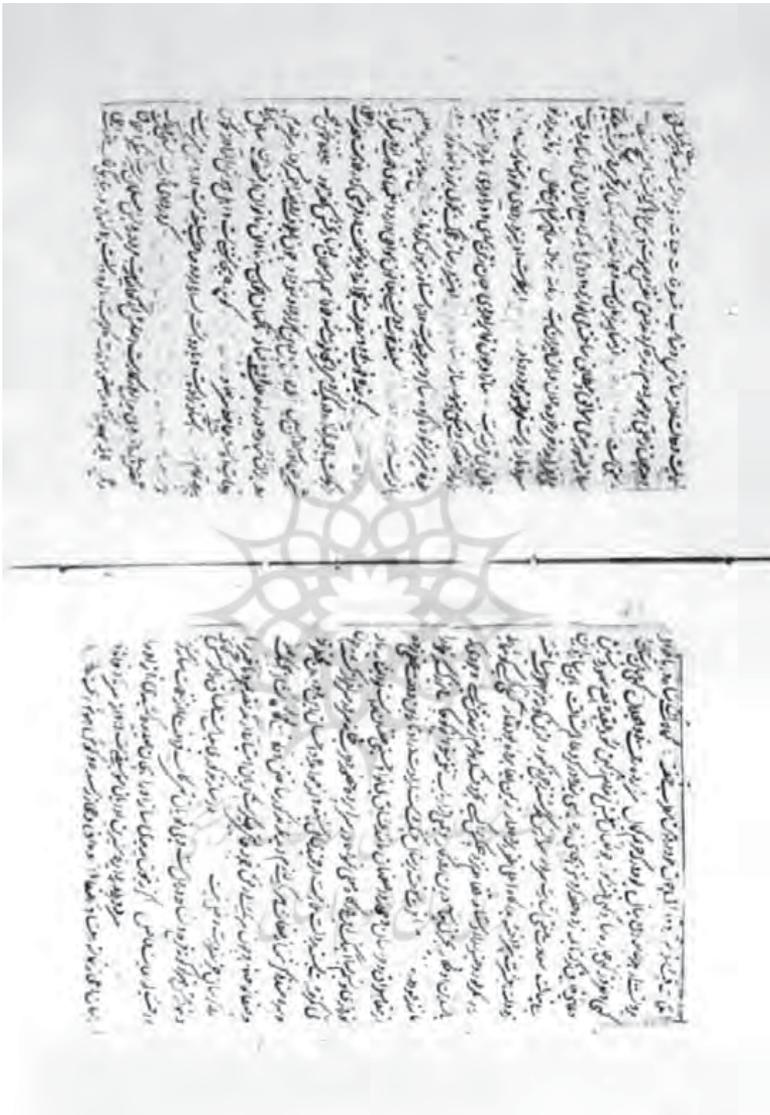
تصویر برگ نخست متن نسخه علی‌گره



تصویر برگه پایانی متن نسخه علیگر



تصویر برگ نخست متن نسخه رامپور



تصویر برگ پایانی متن نسخه رامپور



تصویر برگ پایانی نسخهٔ بریتانیا